

زخم‌های سوریه هنوز باز است

■ **سرنا بیلاسرّی***

وقتی «آزاهانی محمد» غرش جت‌های جنگنده و صدای انفجارها را شنید، بیرون از خانه نشسته بود. او همراه سه زن دیگر و یک کودک که با او در ساختمان بودند، فرار کرد و بعد صدای انفجار آمد. وقتی آزا هانی محمد به هوش آمد، روی تخت بیمارستان دراز کشیده و پای راستش را از دست داده بود. پهبادی که در ۲۵ مارس محله آنها در روستای کوپا در نزدیکی مرز سوریه و اردن را هدف قرار داد، نه تنها پای این زن بلکه شادی زندگی‌اش را از بین برد متعلق به ارتش اسرائیل بود.

از ۸ دسامبر ۲۰۲۴ و پس از سرتنگونی یشار اسد که به قدرت رسیدن ائتلافی از شورشیان در سوریه را به دنبال داشت، اسرائیل چندین منطقه در کشور همسایه خود را اشغال کرده که فراتر از منطقه مورد مناقشه یعنی بلندی‌های جولان است. اسرائیل در برخی موارد، این اقدام را تحت عنوان حمایت از خود در برابر تهدیدات تروریستی توجیه کرده‌است و گاهی اوقات هم با عنوان حمایت از اقلیت مذهبی دروزی که عمدتاً در جنوب سوریه زندگی می‌کنند. بنا بر اعلام دیدبان حقوق بشر سوریه، نیروی هوایی اسرائیل حداقل ۵۴۸ حمله هوایی انجام داده‌اند. آزا هانی محمد ۴۰ ساله، روی تخت دراز کشیده و لباس مشکی بلند پت و روسری بر سر دارد و زیر پتوی گل‌دارش یک میز کنار تخت با ۱۲ جعبه دارو قرار دارد. نگاهش غمگین اما خونسرد به نظر می‌رسد، پوستش رنگ‌پریده است. نه تنها جسم، بلکه روح محمد نیز زخمی شده‌است. او شش فرزند دارد؛ سه پسر و سه دختر.

■ **دستم‌دروازه کمتر از ۳ یورو**

این زن سوری، در حال حاضر فقط در صورتی می‌تواند راه برود که دو نفر به او کمک کنند. یک پرستار شبانه‌رو کنار تخت او نشسته است. هزینه کل در مانش بالغ بر ۶۰ میلیون پوند سوریه، معادل هزار و ۸۴۳ پوند است. همسرش صورتحساب فقط یکی از ویزیت‌های دکتر را نشان می‌دهد: ۲۰۴ یورو. مرد لاغر اندام و میانسال به عنوان کارگر روزمزد کار می‌کند. بعضی روزها ۲/۴۰ یورو و بعضی روزهای دیگر ۲/۷۵ یورو در آمد دارد. دولت هیچ کمکی نمی‌کند و تقریباً هیچ سازمان‌امدادی اینجا

۴ چشم‌انداز

سجاد مرادی کلارده

کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس همواره نقش مهمی در راهبردهای اقتصادی و سیاسی ایالات متحده در سطوح منطقه‌ای و جهانی داشته‌اند. سفر چهار روزه دونالد ترامپ رئیس‌جمهور امریکا از ۱۲ تا ۱۶ می به سه کشور عربستان سعودی، امارات متحده و قطر با دیگر گویای همین نقش بود. ترامپ که با انگیزه‌های تجاری و هدف تقویت روابط مانند دوره اول ریاست جمهوری خود کشورهای حوزه خلیج فارس را به عنوان اولین مقصد سفر رسمی خود انتخاب کرده بود، با دستاوردهای قابل توجهی به امریکا بازگشت. ترامپ در این سفر علاوه بر یک بسته سرمایه‌گذاری ۶۰۰ میلیارد دلاری، بزرگ‌ترین توافق دفاعی به ارزش ۱۴۲ میلیارد دلار را با عربستان امضا کرد. قطر و امارات متحده نیز دو توافق سرمایه‌گذاری به ارزش بیش از ۲ تریلیون دلار با امریکا امضا کردند که علاوه بر بخش‌های نظامی، حوزه‌های معدن، انرژی و فناوری را نیز شامل می‌شود. با این حجم بزرگ از قراردادهای سرمایه‌گذاری که کمتر کشورهایی در جهان قادر به انجام آن هستند، این سؤال مطرح می‌شود که کشورهایی عربی چه نقشی در تداوم سلطه هژمونیک امریکا به ویژه در عرصه اقتصادی ایفا می‌کنند؟ برای پاسخ به این سؤال ذکر چند نکته لازم است.

ایالات متحده پس از پشت سر گذاشتن نظم نوین جهانی که بعد از جنگ سرد بر نظام بین‌المللی حاکم شد و به ویژه بعد از سال ۲۰۰۱ با افزایش قدرت اقتصادی برخی کشورها همچون چین و حتی اروپا مواجه شد. در این روند به نظر می‌رسد کشورهای عربی نقش غیرقابل انکاری در استمرار سلطه واشینگتن در سطح جهانی داشته‌اند. آدام هنبه، استاد اقتصاد سیاسی مؤسسه مطالعات عربی و اسلامی دانشگاه اکستر در کتاب «سرمایه‌داری خام: نفت، قدرت شرکت‌ها و شکل‌گیری بازار جهانی» به این موضوع پرداخته و معتقد است حمایت‌های پادشاهی‌های خلیج فارس از معماری قدرت جهانی امریکا از تاریخ طولانی بر خوردار است. در دوره بعد از کشف نفت، صنایع ملی نفت خلیج فارس در آمد هنگفتی را ایجاد کرد که بخش زیادی از این درآمد دوباره در بازارهای مالی امریکا به ویژه اوراق قرضه سرمایه‌گذاری شد که به امریکا کمک دسترس‌ی به سرمایه خارجی‌ارزان را داد و سلطه جهانی دلار را

وجود ندارد. مشخص نیست آیا آزا هانی محمد می‌تواند دوباره بدون کمک راه برود یا خیر؟! اول باید یک عمل جراحی دیگر انجام دهد. هفت کیلومتر دورتر، دو کنده درخت از زمین بیرون زده‌اند. مرد جوانی به فضای باز کوچکی بین درختان زیتون در دامنه کوه اشاره می‌کند و می‌گوید: «وقتی پهباد شلیک کرد، مردها اینجا بودند.» یکی از شش نفری که آن روز جان باختند، امین سالم سلیمان بود. مفلح، برادر سلیمان این حقیقت را پنهان نمی‌کند که برادر ۳۷ ساله‌اش هنگام مرگ اسلحه حمل می‌کرده‌است؛ سلاحی که او می‌خواست از آن علیه سربازان اسرائیلی استفاده کند: «امکان ندارد اسرائیلی‌ها در سوریه پذیرفته شوند. چون آنها متجاوز هستند. آنها تکه‌ای از سرزمین ما را تصرف و حالا به تصاحب قسمت‌های بیشتری فکر می‌کنند.»

■ **روستایان، آماده جنگ با اسرائیل**
کوپا یا حدود یک کیلومتر از مرز اردن و تقریباً چهار کیلومتر از بلندی‌های جولان اشغالی اسرائیل فاصله دارد. در ماه‌های اخیر، نیروهای اسرائیلی بارها به این منطقه حمله کرده‌اند. با این حال، رسماً تأیید نگرد که این نیروها در ۲۵ مارس در خاک سوریه بودند. در ۲۵ مارس، روستاییان گزارش

دادند صدای رژه سربازان اسرائیلی از دره به سمت مزارع را شنیده‌اند. مردان و زنان، برخی مسلح به تفنگ، خانه‌های خود را برای مقابله با سربازان اسرائیلی ترک کردند. سربازان با تک تیراندازها، توپخانه و پهباد به مردان مسلح حمله و روستایان قرار کردند شرایط طوری بود که روستاییان تا ۲۴ ساعت نمی‌توانستند برگردند. اگر از برادر سلیمان پرسیده شود که چرا اسرائیلی‌ها آمدند، او می‌گوید: «چون آنها می‌خواهند کشور ما را اشغال کنند.» برادرش سه دختر و یک پسر از یک سال و نیم تا شش سال از خود به جا گذاشته است. ارتش اسرائیل در بانه‌های اعلام کرد نیروهای این کشور در هت‌های خود را در مکان‌های مختلف سوریه برای نابودی تسلیحات فعالیت کرده‌اند و این محافظت از شهروندان اسرائیلی در این مناطق باقی خواهد ماند. اما مردم سوریه، معتقدند اسرائیل برای درز دزدی زمین‌هایشان آمده‌است و به همین دلیل با آنها مقابله به مثل می‌کنند. سلیمان که یک کشاورز بود و برادرش میزان خسارت حمله کرده‌اند. با این حال، رسماً تأیید نگرد اسرائیل را ۷۵ درصد محصول از زیایی کرده‌است به سختی جرئت می‌کند برای آب



دادن یا برداشت محصول به مزارع برود. از طرفی، اسرائیل حالا می‌داند در روستا افرادی هستند که آماده جنگیدن‌اند.

■ **اشغالگری اسرائیل به معنای جنگ است**

مفلح یا آرامش می‌گوید: «ما هدف خود را آزادسازی کشورمان قرار داده‌ایم و امیدواریم این هدف به نتیجه برسد. ما در حال حاضر با همسایگان خود در صلح زندگی کنیم. اگر دولت ما با اردن و اسرائیل به توافقی برسد، باید آن را بپذیریم.» با این حال، بسیاری معتقدند اشغال اسرائیل می‌تواند به درگیری مجدد منجر شود.

ماهر محمد الحسین در پاسخ به این سؤال که اگر سربازان اسرائیلی به اشغالگری ادامه دهند چه اتفاقی خواهد افتاد، پاسخ می‌دهد: «جنگ. مردم دوباره کشته خواهند شد.» می‌افزاید که قطعاً اگر آن‌ها نمی‌توانند، الحسین در روستایی کوچک در حدود ۱۰ کیلومتری منطقه حائل زندگی می‌کند و در ۲۰ دسامبر در روستای معریه با هزار نفر جمعیت و چند کیلومتری خط مرزی با بلندی‌های جولان در تظاهراتی علیه اشغال اسرائیل شرکت کرد. در این منطقه، واحدهای اسرائیلی

درد

از زمان تغییر قدرت در سوریه نیروهای اسرائیلی در حال عبور از منطقه مرزی‌اند و دست‌کم ۵۴۸ حمله هوایی به سوریه انجام شده‌است

اردوگاه برپا کرده بودند. این جوان ۲۱ ساله داستان لحظه‌ای را که زندگی‌اش را تغییر داد، اینگونه روایت می‌کند: «آن روز، ماهر الحسین و دوستانش علیه سربازان شعار می‌دادند سوریه آزاد است، آزاد است و مهاجم باید برود. سپس سربازان شروع به تیراندازی کردند. حسین درد شدیدی در ران خود حس کرد و حدود ۱۰ دقیقه بعد بهوش شد. گلوله باعث قطع عصب پای حسین و شکستگی استخوان شد و از آن زمان او بدون کمک قادر به راه رفتن نیست. حسین قبل از این واقعه، دانشجوی علوم اجتماعی بود اما حالا بیشتر فقط دراز می‌کشد.» یکی از دوستانشان که آن‌ا همینان نه‌است می‌گوید: «همه عصبانی هستند.» حسین لیخندی می‌زند، لیخندی تا حدودی حسرت‌بار. او هنوز امید دارد. او می‌خواهد روزی دوباره راه برود و به تحصیل ادامه بدهد اما به عقیده پزشکان این کار زمان خواهد برد.

سه هفته پیش، ارتش اسرائیل توره‌های گردشگری به سرزمین‌های اشغالی ترتیب داد که جنگال‌قرین شد. کاتس وزیر جنگ اسرائیل اعلام کرده‌است ارتش آن «به طور نامحدود» در خاک سوریه باقی خواهد ماند و به دنبال درگیری‌ها میان سنی‌های اسلامگرا و دروزی‌ها در هفته‌های اخیر، اسرائیل دوباره از طریق هوا به اهدافی در دمشق و جنوب سوریه حمله کرده‌است. دولت دمشق بارها تأکید کرده‌است خواهان جنگ با اسرائیل نیست. تخریب‌های آزا هانی محمد و ماهر الحسین هنوز التیام نیافته‌است و زخم‌های سوریه، کشوری که زمانی درگیر جنگ داخلی بود، هنوز باز است.

■ **خبرنگار آزاد در حوزه غرب آسیا**
منبع: روزنامه آلمانی
تاگس تایتونگ

امریکا و ادغام مالی عمیق‌تر بین خلیج فارس و امریکاست، چراکه این گزاره را تأیید می‌کند که هر چند کشورهای عربی خلیج فارس به عنوان مهم‌ترین عرضه کنندگان نفت، جریان انرژی خود را به سمت شرق تغییر داده‌اند، اما همچنان عمیقاً به بازارها و صنایع نظامی امریکا وابستگی دارند.

■ **۳- رقابت با چین**

در سال‌های اخیر چین به عنوان اصلی‌ترین رقیب سیاسی و اقتصادی امریکا ظاهر شده‌است. چین به واسطه اقتصاد تولیدی، مصرف انرژی را در جهان افزایش داده و به همین دلیل صادرات انرژی از خلیج فارس را به سمت چین و شرق آسیا کشانده‌است. در کنار این پیوندهای انرژی، افزایش سرمایه‌گذاری چین در کشورهای عربی نیز وابستگی آنها را عمیق کرده‌است. چین در حالی که در سال ۲۰۰۵ حدود ۱۰ درصد واردات کشورهای خلیج فارس را تأمین می‌کرد، این میزان در سال ۲۰۲۴ به بیش از ۲۰ درصد رسید.

در حالی است که سهم امریکا و اروپا از ۴۵ درصد به ۱۶ درصد کاهش یافته‌است. بنابراین اینجا نیز شاهد شکل‌گیری یک رابطه دوسویه هستیم. با این تفاوت که رابطه نفت - امنیت بین امریکا و اعراب به رابطه نفت - سرمایه‌گذاری و همکاری اقتصادی تبدیل شده‌است. فروش نفت باعث شده که کشورهای عربی خلیج فارس حدود ۸۰۰ میلیارد دلار ذخایر خارجی (ارزهای خارجی که بیشتر از هند یا سوئیس است. به علاوه، صندوق‌های سرمایه‌گذاری دولتی در این کشورها نیز حدود ۴/۹ تریلیون دلار دارایی را اختیار دارند. بخش زیادی از این دارایی‌ها به صورت مستقیم به بازارهای متعلق می‌شود. تگرانی امریکا در مورد روابط اعراب و چین تنها منحصربه‌انرژی نیست، بلکه بخشی از آن مربوط به دستیابی چین به فناوری‌هوش مصنوعی ساخت امریکا در روابط با اعراب است. به همین دلیل همکاری‌های فناوری

و هوش مصنوعی قسمت عمده قراردادهای بین طرفین در سفر اخیر بود. ساخت مجتمع پنج گیگاواتی هوش مصنوعی در ابوظبی، همکاری عربستان با شرکت‌های انویدیا و AMD بیانگر آن است که امریکا سعی دارد با افزایش تبادلات با اعراب در این زمینه آنها را از چین بی‌نیاز کند.

■ **تریتا پارسی**

استیو ویتکاف، نماینده تندروی دونالد ترامپ، بر «غنی‌سازی صفر» به‌عنوان خط قرمز در مذاکرات هسته‌ای با ایران تأکید می‌کند؛ موضعی سختگیرانه که خطر از بین بردن کامل دیپلماسی را در پی دارد. ویتکاف در برنامه «Week This» شبکه ABC گفت: «ما یک خط قرمز بسیار بسیار روشن داریم و آن غنی‌سازی است، ما حتی اجازه یک درصد ظرفیت غنی‌سازی را هم نمی‌دهیم.» او می‌افزاید: «همه چیز آغاز می‌شود... با توافقی که شامل هیچ نوع غنی‌سازی نباشد... زیرا غنی‌سازی به تسلیحاتی شدن منجر می‌شود و ما اجازه نمی‌دهیم بمبی به اینجا برسد.»

ویتکاف در بیانیه خود با پیوند داده‌است که برنامه هسته‌ای‌اش می‌دهد، در حالی که توافق‌های واقع‌بینانه و قابل راستی‌آزمایی که می‌توانند واقعا این برنامه را محدود کنند، به تعویق می‌افتند. مگر اینکه ترامپ به خط قرمز اولیه‌اش - یعنی تسلیحاتی شدن - بازگردد، این فرصت نادر برای جلوگیری از هم بمب ایرانی و هم جنگ، ممکن است از دست برود.

موضع حداکثری ویتکاف شاید تاکتیکی برای چانه‌زنی باشد، اما بیسان علنی آن خطر مسموم کردن فضا را به همراه دارد.

علاوه بر این به گفته News Site Drop،

آزادی گروگان آمریکایی «آدان الکساندر» در هفته گذشته در ازای قول امریکا برای

۴ رویکرد

دیپلماسی «غنی‌سازی صفر» ویتکاف ناکارآمد است

خواهد شد.

ویتکاف شاید امیدوار باشد که موضع سختگیرانه‌اش تهران را وادار به پذیرش خواسته‌ای دیگر کند: توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم - در تمام سطوح - تا پایان دوره ریاست‌جمهوری ترامپ به‌عنوان نشانه‌ای موقت از حسن نیت.

اما این قمار، به دو دلیل کلیدی بسیار لرزان است: اول اینکه ایران به‌شدت بعید است چنین چیزی را بپذیرد و دوم، حتی اگر بپذیرد، ارزش این معامله زیر سؤال است. تهران هرگز توقف کامل غنی‌سازی را نپذیرفته‌است - حتی به‌صورت موقت. آنها می‌دانند شروع مجدد غنی‌سازی، هزینه سیاسی سنگینی دارد، حتی اگر ایران به همه تعهدات خود پایبند بوده باشد. این به معنای چشم‌پوشی از اهرم اصلی فشارشان در قبال وعده پاداشی در آینده است. آنها نه تنها هیچ اعتمادی به ایالات متحده ندارند، بلکه دیده‌اند در چند ماه گذشته چه بر سر حماس آمده‌است.

حماس وارد توافقی سه‌مرحله‌ای برای غزه شد و در مرحله اول، بیشتر اهرم فشار خود را واگذار کرد با اینکه می‌دانست امتیاز اصلی اسرائیل تا مرحله سوم نمی‌رسد. همان‌طور که قابل پیش‌بینی بود، نتانیاهو پس از مرحله اول توافق را به‌هم زد، جنگ را از سر گرفت و هیچ هزینه‌ای از سوی امریکا پرداخت نکرد. ایران این وقایع را به دقت مشاهده کرد- و به‌خوبی یادداشت‌برداری کرد.

علاوه بر این به گفته News Site Drop، آزادی گروگان آمریکایی «آدان الکساندر» در هفته گذشته در ازای قول امریکا برای



فشار بر نتانیاهو جهت آتش‌بس انجام شد. یک‌بار دیگر، اهرم کلیدی از همان ابتدا واگذار شد با امید به پاسخ متقابل در آینده، اما ترامپ اصلاً بر اسرائیل فشار نیاورده و در واقع، نتانیاهو به‌تازگی یک حمله زمینی گسترده به غزه آغاز کرده‌است.

انتظار اینکه ایران اهرم اصلی خود را در برابر وعده‌های مهم امریکا واگذار کند، مستلزم سطحی از اعتماد ایرانی‌ها به ایالات متحده است که طی بیش از ۴۰ سال هرگز وجود نداشته‌است. حتی پیشنهاد رفع تحریم‌های اولیه - با اینکه مهم است- به اندازه کافی این واقعیت را تغییر نمی‌دهد.

مهم‌تر اینکه حتی اگر ایران با توقف موقت غنی‌سازی موافقت کند، ارزش آن مشکوک است - مگر اینکه هدف نهایی، گرفتار کردن تهران در وضعیت دانه‌ای از عدم غنی‌سازی باشد. در غیر این صورت، این فقط یک وقفه زودگذر با سود سیاسی اندک است. نخبگان سیاست خارجی واشینگتن احتمالاً بی‌تفاوت خواهند بود و افکار عمومی امریکا- که از جنگ‌های بی‌پایان و بازی‌های سیاسی در واشینگتن خسته شده - بسیار بیشتر به جلوگیری از جنگ و ایجاد اشتغال اهمیت می‌دهد تا به ژست‌های نمادین هسته‌ای.

در واقع، ایرانی‌ها کاملاً درک کرده‌اند که ارزش توقف غنی‌سازی، عمدتاً در به دام انداختن آنها در وضعیت دائمی بدون غنی‌سازی است - و دقیقاً به همین دلیل است که احتمال پذیرش آن بسیار کم است. نتیجه‌نهایی این است که هدف «فنی‌سازی صفر»، دقیقاً هدف جان بولتون و مایک پمپئو بود، چون می‌دانستند این هدف در نهایت به جنگ منجر می‌شود. این موضوع هنوز هم صحت دارد.

ترامپ به مردم امریکا قول داده بود وارد جنگ جدیدی در خاورمیانه نشود. اگر می‌خواهد به این وعده عمل کند، نیاز به راهبردی بهتر دارد.

منبع: -https://responsibletat-mihlht craft. org/witkoff- redline- iran- nuclear

۱۹ می ۲۰۲۵